

مطالعه تطبیقی پوشش خسرو و شیرین در متن منظوم نظامی گنجوی و نگاره‌های آن*

فاطمه چاوشی نجف‌آبادی**

سید علی مجابی***

مهدی صادقی****

تاریخ دریافت: ۹۷/۰۲/۱۶ تاریخ پذیرش: ۹۷/۰۷/۱۶

چکیده

در هر فرهنگ و تمدنی، یک هنر بنیادین وجود دارد که سایر هنرها بر اساس آن ایجاد می‌شوند. در ایران، شعر، نقش هنر بنیادین را در ایجاد سایر هنرها ایفا می‌کند. از میان هنرهای مختلف، نگارگری، ارتباط فراوانی با شعر دارد و در بین آثار نگارگری، نقش داستان‌های عاشقانه قابل توجه است و حکایت خسرو و شیرین یکی از مشهورترین این داستان‌ها بوده و توسط حکیم نظامی گنجوی گردآوری شده است. اشعار در منظومه خسرو و شیرین رمزگونه هستند؛ بنابراین نیاز است که به تفسیر دقیق آنها پرداخته شود. در این مقاله سعی بر آن بوده است که توصیفات مرتبط با پوشش شخصیت‌های اصلی داستان خسرو و شیرین از منظومه استخراج و به مقایسه آن با پوشش موجود در نگارگری‌های مرتبط بپردازد؛ در نهایت، با بهره‌گیری از یافته‌های پژوهش به پاسخ این سوال دست یابد که اثرپذیری نگارگری از شعر چگونه است؟ روش گردآوری اطلاعات در این پژوهش، اسنادی و کتابخانه‌ای بوده و جهت تدوین و تنظیم آن از روش توصیفی - تحلیلی استفاده شده است. بیان چگونگی جنسیت پارچه‌ها شامل پرنده، پرنیان، دیبا، خز، خارا، حریر، قصب و زر از گزینه‌های مورد توجه در منظومه برای توصیف پوشش خسرو و شیرین است. زرد، قرمز، سیاه، ارغوانی و آسمان‌گون، برای رنگ انتخاب شده و برای طرح، از کلاه، قبا، کمر بند، سلب، شقایق، سرآغوش، طراز، معجر، مقنعه، حمایل، برقع، نقاب و همچنین برای زیور از انگشتر، گوشواره، خلخال، گردن‌بند، نقش دست، عنبرینه، دست‌بند، فرق‌بند و گیسوبند نام برده است. با بررسی ۱۴ نگاره از سبک‌های طلایی نگارگری ایران، مشخص شد که تأثیرپذیری نگارگر از منظومه، بیشتر در رنگ پوشش خسرو و شیرین است.

کلیدواژه‌ها:

نظامی گنجوی، خسرو و شیرین، نگارگری ایرانی، پوشش.

* این مقاله برگرفته از پایان‌نامه کارشناسی ارشد نویسنده اول با عنوان «مقایسه تطبیقی پوشش‌های خسرو و شیرین و لیلی و مجنون براساس منظومه‌های نظامی و آثار نگارگری مرتبط»، انجام گرفته در دانشکده هنر و معماری دانشگاه علم و هنر یزد می‌باشد.

** کارشناس ارشد طراحی پارچه و لباس، دانشگاه علم و هنر، دانشکده هنر و معماری (نویسنده مسئول). پست الکترونیک: fchavoshi1810@gmail.com

*** استادیار گروه هنر، دانشکده هنر، معماری و شهرسازی، واحد نجف‌آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف‌آباد، ایران.

**** مدرس، دانشگاه یزد.

صناعات
هنرهای ایران

سال دوم، شماره ۱، پاییز و زمستان ۹۷

(صفحات ۳۵ تا ۵۵) ۳۵

۱. مقدمه

هنرهای مختلف با اهداف گوناگون ایجاد می‌شوند؛ برخی پایه و منشأ پیدایش هنرهای دیگر و برخی برگرفته و تأثیرپذیرفته از سایر هنرها هستند. در ایران، بنیاد بسیاری از هنرها را شعر می‌دانند و نگارگری از جمله هنرهای پیرو است که پیوند و ارتباطی دیرینه با شعر دارد. برای دریافت مفهوم واقعی شعر، نیاز به واکاوی آن است به‌ویژه اگر تاریخی بس طولانی از زمان آفرینش اثر گذشته باشد؛ همچنین اگر شاعر در رمزگونه سخن گفتن شهره جهان باشد. نظامی گنجوی، مشهورترین شاعر در سرودن داستان‌های عاشقانه، داستان خسرو و شیرین را با اشعاری رمزگونه می‌سراید که هر واژه آن معانی گوناگونی را به مخاطب القا می‌کند. این مقاله به بررسی هنر منشأ و پایه شعر می‌پردازد و سعی دارد ارتباط و میزان اثرپذیری هنر نگارگری از شعر را جستجو کند و به پاسخ این سوال دست یابد که اثرپذیری هنر پیرو نگارگری از هنر پایه شعر چگونه بوده و به چه شکل اجرا شده است؟ البته احتمال می‌رود که شاعر در اشعاری که به توصیف شخصیت‌های اصلی داستان پرداخته، از توصیف پوشش آنها غافل نبوده باشد و بخش‌هایی را به آن اختصاص دهد. همچنین به نظر می‌رسد که هنرمند نگارگر پس از مطالعه منظومه و با توجه به توصیفات شاعر، به تصویرگری پرداخته باشد. در مقاله موجود، پوشش خسرو و شیرین بر اساس آنچه که از منظومه نظامی استنباط می‌شود، استخراج گشته و سپس با پوشش نگاره‌های خسرو و شیرین در آثار نگارگری قرن‌های هشتم تا یازدهم هجری قمری مقایسه شده و نتایج حاصل ارائه شده است.

۲. روش تحقیق

این پژوهش به روش توصیفی-تحلیلی انجام شده است. روش تجزیه و تحلیل اطلاعات، کیفی بوده و به درک واژه‌ها، تصاویر و همچنین تفسیر آنها می‌پردازد. جمع‌آوری اطلاعات بر اساس اسناد و مدارک موجود و با مشاهده تصاویر انجام شده است. در این پژوهش، تعداد ۱۴ نگاره از قرن‌های ۸ تا ۱۱ هجری قمری که در بردارنده سبک‌های طلایی نگارگری ایران است و داستان خسرو و شیرین را به تصویر کشیده‌اند، انتخاب و پوشش آنها استخراج شد. انتخاب ۱۴ نمونه به نحوی است که دارای بیشترین ارتباط موضوعی با منظومه باشند. لازم به ذکر است که تمامی ابیات از خمسه نظامی، تصحیح حسن وحید دستگردی استخراج شده است (کلیات نظامی گنجوی ۱۳۸۶، ج. ۱). همچنین منظومه در منابع مختلف دارای بخش‌های الحاقی است که طبق تحقیقات پژوهشگران، به احتمال زیاد، این ابیات توسط شاعر گنجه سروده نشده و به مرور زمان به منظومه اضافه شده است؛ بنابراین بخش الحاقی نامیده می‌شوند که در منبع مورد استفاده از مصحح نام‌برده، با قرار گرفتن در قلاب []، مجزا و مشخص شده‌اند.

در این پژوهش که صرفاً به بررسی پوشش خسرو و شیرین می‌پردازد، ابتدا کلیه ابیات مرتبط با توصیف پوشش در چند بخش شامل جنسیت، رنگ، طرح و زیور، مشخص و مجزا شده و به تفسیر واژه‌های مرتبط با پوشش می‌پردازد؛ سپس با ارائه تصاویری از نگاره‌ها به مقایسه توصیف متن با پوشش موجود در این آثار پرداخته شده است. شاعر در هنگام توصیف شخصیت‌های منظومه، از ذکر چگونگی پوشش آنها غافل نشده است؛ ولی در هیچ بیتی، از پوشش پایین تنه و پای‌پوش کاراکترهای خود، به جز خلخال و پوشش شیرین در حین آب‌تنی، سخنی به میان نیاورده است. بنابراین، تطبیق پوشش شخصیت‌ها در منظومه و نگاره‌ها، به سرپوش و بالاپوش اختصاص یافته است. جدول (۱) مشخصات نگاره‌های انتخاب شده را نشان می‌دهد. این آثار مربوط به کلیه مراحل و صحنه‌های داستان خسرو و شیرین نظامی گنجوی است که به صورت متوالی و پیاپی از ابتدای داستان و زمان نوجوانی خسرو پرویز آغاز شده و تا پایان داستان، یعنی مرگ شیرین تداوم می‌یابد.

۳. پیشینه تحقیق

با تحقیقات انجام‌شده، منابع فراوانی که به روش‌های مختلف به بررسی منظومه خسرو و شیرین نظامی گنجوی بپردازند موجود می‌باشند؛ اما تنها منابع معدودی به بررسی و مطالعه پوشش افراد در این منظومه پرداخته‌اند. طغیانی

و چوقادی (۱۳۸۸) در مقاله خود با عنوان «الگوی پوشش در داستان خسرو و شیرین نظامی» به بررسی انواع پوشش در این داستان پرداخته‌اند و آن را با الگوهای پوشش دوره‌های ساسانی و سلجوقی تطبیق داده‌اند. نتایج این پژوهش، تأثیرپذیری را بیشتر متأثر از سنت ادبی و همچنین تاریخ و اجتماع عنوان می‌کند. نظرلی (۱۳۹۰) در کتاب جهان دوگانه مینیاتور ایرانی، رنگ پوشش خسرو در نگاره‌های زمان صفوی را مورد مطالعه قرار داده است. همچنین مایکل بری (۱۹۹۶) در بررسی رنگ و نمادگرایی در کاشی‌های معماری اسلامی، از نظامی گنجوی شاعر بزرگ فارسی‌زبان سخن می‌گوید و به اشعار وی اشاراتی دارد. در مقاله پیش‌رو، برخلاف تحقیقات ذکر شده، به بررسی کلیه اشارات شاعر در مورد پوشش لیلی و مجنون پرداخته شده است و پس از تفسیر واژه‌ها و دسته‌بندی آنها و اشاره به قسمت‌های اصلی پوشش یعنی جنسیت، رنگ، طرح و زیور، مقایسه‌ای با پوشش‌های موجود در ۱۴ نگاره منتخب، صورت گرفته و چگونگی تأثیرپذیری نگارگر از منظومه ذکر شده است.

جدول ۱. معرفی نگاره‌های خسرو و شیرین (نگارندگان).

مشخصات	نگاره	مشخصات	نگاره
خسرو و شیرین بر تخت در حال گوش کردن به داستان‌های ندیمگان شیرین، منسوب به آقا میرک، خمسه نظامی، مکتب تبریز، حدود ۹۴۶-۹۵۰ ه.ق، کتابخانه بریتانیایی (پوپ و اکرمین ۱۳۸۷، ۸۹۶).		خسرو جوان در برابر پدر، خمسه نظامی، مکتب شیراز، دوره صفوی، هنرمند نامعلوم، ۱۲۵ × ۱۵/۶ سانتی‌متر، کاتب: حسن الحسینی کاتب شیرازی (آدامووا ۱۳۸۶، ۱۲۲).	
بلند کردن فرهاد شیرین را، رضا عباسی، خمسه نظامی، مکتب تبریز، حدود ۱۰۴۱ ه.ق، اندازه نگاره ۶/۴ × ۱۸/۸ سانتی‌متر، اندازه صفحه ۱۴/۲ × ۲۴/۶ سانتی‌متر، لندن، ویکتوریا (کتابی ۱۳۸۹، ۱۱۹).		نشان دادن تصویر خسرو به شیرین، منسوب به آقا میرک هروی، خمسه نظامی، مکتب هرات، حدود ۸۹۶ ه.ق، کتابخانه بریتانیایی لندن (اژند ۱۳۸۷، ۲۵۱).	
فرهاد، شیرین و اسبش را بر شانه‌های خود حمل می‌کند، هنرمند نامعلوم، خمسه نظامی، جلایریان، مکتب بغداد، ۷۸۸-۷۹۰ ه.ق، ۱۲/۴ × ۱۸/۵ سانتی‌متر، کتابخانه بریتانیا (آدامووا ۱۳۸۶، ۶۳).		آبتنی شیرین در چشمه، هنرمند سلطان محمد، خمسه شاه طهماسب، تبریز، حدود ۹۴۷ ه.ق، ۱۸ × ۲۸/۷ سانتی‌متر، لندن کتابخانه بریتانیایی (کوزکیان و سیکر ۱۳۷۷، ۱۱۲).	

<p>خسرو به قصر شیرین می آید، هنرمند نامعلوم، خمسه نظامی، مکتب بغداد، جلاپریان، ۷۸۸-۷۹۰ ه.ق، ۱۲/۴ × ۱۸/۵ سانتی متر، کتابخانه بریتانیا (کتابی ۱۳۸۱، ۴۳).</p>		<p>آب تنی شیرین در چشمه، منتسب به حیدرقلی، مکتب شیراز، حدود ۱۰۳۴ ه.ق، ۱۳/۶ × ۱۷/۸ سانتی متر، پاریس کتابخانه ملی (گورکیان و سیکر ۱۳۷۷، ۱۵۹).</p>		<p>۴</p>
<p>خسرو در حال گوش کردن به موسیقی باربد، منسوب به میرزا علی، خمسه شاهلی، مکتب تبریز، حدود ۹۴۶-۹۴۹ ه.ق، ۲۵ × ۳۶/۵ سانتی متر، کتابخانه بریتانیا لندن (آزند ۱۳۸۴، ۱۲۳).</p>		<p>نخستین دیدار خسرو از شیرین، هنرمند نامعلوم، خمسه نظامی، مکتب شیراز، ۹۹۲ ه.ق، ۲۷ × ۳۷ سانتی متر، موزه دانشگاه فیلادلفیا (گری ۱۳۸۴، ۲۲۳).</p>		<p>۵</p>
<p>ازدواج خسرو و شیرین، هنرمند شیخ زاده، خمسه نظامی، مکتب هرات، ۸۷۷-۹۴۳ ه.ق، محفوظ در موزه متروپولیتن (https://www.peopleofar.com/2015/11/08/before-romeo-and-juliet-there-was-khosrow-and-shirin/) تاریخ بازیابی: ۹۵/۰۳/۲۶</p>		<p>منظره دیدار خسرو و شیرین، منسوب به محمد قاسم، احتمالاً اصفهان، اواسط سده ۱۱ ه.ق، ۱۲ × ۲۲ سانتی متر (سودآور ۱۳۸۰، ۲۹۳).</p>		<p>۶</p>
<p>مرگ شیرین، هنرمند نامعلوم، خمسه نظامی، مکتب ترکمانان، تبریز، حدود ۹۱۱ ه.ق، اندازه ۱۹/۵ × ۲۹ سانتی متر، مجموعه کایر (کتابی ۱۳۸۷، ۳۰).</p>		<p>خسرو نظاره گر آب تنی شیرین، هنرمند شیخ زاده، خمسه نظامی، مکتب هرات، ۸۷۷-۹۴۳ ه.ق، محفوظ در موزه متروپولیتن (https://www.peopleofar.com/2015/11/08/before-romeo-and-juliet-there-was-khosrow-and-shirin/) تاریخ بازیابی: ۹۵/۰۳/۲۶</p>		<p>۷</p>

۴. جنسیت در پوشش خسرو

شاعر گنجه در کل منظومه، هیچ سخنی از جنس پوشش خسرو بیان نکرده است؛ ولی در بخش «رسیدن خسرو به ارمن» از پارچه دیبا سخن می‌گوید که به خسرو هدیه داده می‌شود. بنابراین می‌توان احتمال داد که خسرو از چنین جنس پارچه‌ای برای پوشش خود استفاده کرده باشد. دیبا: پارچه‌ای ابریشمی، بسیار مرغوب، گران‌بها و لطیف است که در رنگ‌های مختلف تولید شده و گه‌گاه نیز نقشدار بوده است (عمید ۱۳۸۹، ۵۴۵). البته شناسایی جنسیت‌ها از طریق تصویر امکان‌پذیر نیست و پارچه نقشداری که بیانگر منسوج دیبا باشد، در تصاویر دیده نشد.

عمل‌داران برابر می‌دویدند ز ر و دیبا بخدمت می‌کشیدند
روان کرد از عقیق آن نقش زیبا سخن‌هایی نگارین‌تر ز دیبا

۵. جنسیت در پوشش شیرین

یکی از مشخصه‌های پوشش شیرین، جنسیت لباس وی است. شاعر از زبان شاپور در بخش «رفتن شاپور به طلب شیرین»، شیرین و ندیمگان وی را قصب‌پوش معرفی می‌کند و لطافت بدن آنها را به پرند (پارچه ابریشمی) نسبت می‌دهد. شاعر در بخش «گریختن شیرین به مداین» از قصب به منزله جنسیت پوشش همراهان شیرین نام می‌برد. «منظور از پرند، پیکر آن ماه‌رویان قصب پوش است» (نظامی ۱۳۷۶، ۶۱).

زده بر ماه خنده، بر قصب راه پرند آن قصب‌پوشان چون ماه
به کردار کله‌داران چون نوش قبا بستند بکران قصب‌پوش

و نیز شاعر گنجه در مجلس بزم «خسرو و شیرین در شکارگاه»، لباس شیرین و ندیمگانش را از قصب می‌داند:

نشسته لعل‌داران قصب‌پوش قصب بر ماه بسته، لعل بر گوش
قصب بر رخ که: گر نوشم نهان است بناگوشم به خرده در میان است

اشاره به این پوشش از شیرین، هنگام صحبت خسرو با او در اواخر منظومه نیز دیده می‌شود:

ز راه پاسخ آن ماه قصب‌پوش ز شکر کرد شه را حلقه در گوش

آخرین بخشی که شاعر از واژه قصب به منزله پوشش شیرین سخن می‌گوید، «ازدواج خسرو و شیرین» است:

چو سروی گر بود در دامنش نوش چو ماهی گر بود ماهی قصب‌پوش

قصب: «نوعی پارچه‌ی ظریف است که در قدیم از کتان می‌بافته‌اند» (عمید ۱۳۸۹، ۸۱۶). در لغت‌نامه دهخدا، قصب به معنی پارچه بافته شده از ابریشم و کتان آمده که بیانگر ارزش این جنس پارچه است؛ همچنین در معنی نی یا هر گیاهی که ساقه آن درون تهی باشد، آبراهه اشک، مروارید تر، استخوان و رگ نیز کاربرد دارد (دهخدا ۱۳۷۷، ۱۷۶۰۳). توصیف روح‌فر، ارزش این پارچه را بیشتر مشخص می‌کند: «پارچه‌ی کتان نرم که گاهی اوقات در بافت آن زر و سیم استفاده می‌شده است» (روح‌فر ۱۳۸۰، ۱۳). کاربرد متفاوت واژه قصب -پارچه کتان، ابریشم، زربفت، به صورت ترکیبی و یا مجزا- در میان ابیات شعرا فراوان دیده می‌شود؛ برای نمونه، خواجوی کرمانی آن را برای جامه ابریشمی، مولوی برای پارچه کتانی و مجیر بیلقانی برای پارچه زربفت به کار برده است (عقیقی ۱۳۷۲، ۱۹۵۹).

قصب پوش خوبان خوش خط و خال نموده رخ از پرده‌های خیال (خواجوی کرمانی، همای و همایون)

گر قصب‌وار نیچم دل خود در غم تو چون قصب‌پیچ مرا هالک مهتاب کنی (مولوی، دیوان کبیر)

گر قصب پیچند می‌شاید که مصری مذهبند و ر قبا بندند می‌زیید که ترکی مخبرند (مجیر بیلقانی، دیوان)

این واژه، در شیرین و خسرو، اثر امیر خسرو دهلوی نیز دیده می‌شود؛ علاوه بر اینکه استعمال این جنس از پوشش را در دوره‌های تاریخی مختلف بیان می‌کند؛ می‌تواند بیانگر این نکته باشد که دهلوی در مورد جنس پوشش شیرین نیز از منظومه نظامی تقلید کرده است.

جوابش داد شمشاد قصب‌پوش که دولت داد شه را حلقه در گوش

(امیرخسرو، شیرین و خسرو)

شاعر گنجه از جنسیت دیگر پوشش شیرین در بخش «اندام شستن شیرین در چشمه» سخن می‌گوید و آن پارچه‌ای

به نام پرند است. شیرین در مسیر راه به مداین پارچه‌ای از جنس پرند به خود می‌بندد و تن را در آب چشمه شست‌وشو می‌دهد.

پرنده آسمانگون بر میان زد شد اندر آب و آتش در جهان زد
در آب نیلگون چون گل نشسته پرنده نیلگون تا ناف بسته
همچنین شاعر در بخش «عشق فرهاد» از پرند برای پوشش چهره شیرین و از پرنیان برای پوشش تن وی سخن می‌گوید:

پری پیکر نگار پرنیان پوش بت سنگین دل سیمین بناگوش
پرنده ماه را پیوند بگشاد ز رخ برقع، ز گیسو بند بگشاد
واژه پرند مجدداً برای پوشش تن شیرین در بخش «خسرو و شیرین در قصر» ذکر شده است. شیرین به وسیله لباس، همانند نقاب، پیکر چون ماه خود را پنهان داشته؛ «آفتاب اندام را با سایه جامه‌ی نقاب پوشانده است» (نظامی ۱۳۷۶، ۳۰۴). با توجه به واژه پیرایه، شکل و ظاهر این پوشش‌ها، هم‌چون زیوری بر بدن اوست. همچنین، شیرین حمایلی از زر-طلا- بر روی لباس خود کشیده است.

فروپوشید گلناری پرنده بر او هر شاخ گیسو چون کمندی
حمایل پیکری از زر کانی کشیده بر پرنده ارغوانی
شاعر در همین بخش، باز هم از پرند برای پوشش تن شیرین سخن می‌گوید. شیرین پس از سخن گفتن با خسرو، به قصد ترک او از جا برخاست و «پرنده جامه را به بهانه‌ی آنکه غبار بر آن نشسته برافشانند و پیکر چون قند خود را نمودار ساخت» (همان، ۳۲۶).

پرنده افشانند و از طرف پرندهش جهان پر شد ز قالب‌های قندش
در آخرین بخش از منظومه و در «کشته شدن خسرو و خودکشی شیرین»، شاعر از حریر و پرنده سخن می‌گوید که شیرین حین مرگ بر تن دارد.

پرنده زرد چون خورشید بر سر حریری سرخ چون ناهید در بر
پرنده، حریر ساده و پرنیان حریر منقوش است و حریر، بدین گونه تهیه می‌شده است: «اگر کرم ابریشم برخویشتن تنید و کار تنیدن پایان یافت، اگر پيله را در آفتاب نهند و پيله را سوراخ کند و بیرون آید و از پيله ابریشم تهیه کنند به آن کج یا لاس گویند و اگر بر آفتاب نهند و کرم در آن بمیرد از آن ابریشم حریر تهیه می‌شود» (روح‌فر ۱۳۸۰، ۷۱). پوشش دیگر شیرین طرازی از جنس دیباست که در بخش «رسیدن شیرین به مداین» از آن نام برده شده است. این پوشش، از طرف ندیمه‌های کاخ خسرو به وی هدیه داده می‌شود تا لباس راه را عوض کند. (دیبا، نک: ۳۹)

دگرگون زیوری کردند سازش ز دُر بستند بر دیبا طرازش
شاعر گنجه از واژه‌های دیگری نیز در بخش «خسرو و شیرین در قصر» برای بیان جنسیت پوشش شیرین استفاده کرده است؛ شیرین، نقابی از جنس خز یا خارا بر رخ دارد؛ اما احتمالاً با جابه‌جا کردن یا با حرکات سر خود باعث کنار رفتن آن از چهره شده، زیبایی خود را نمایان می‌ساخته است. «به بهانه‌ی پوشاندن جمال، رخساره می‌نمود» (نظامی ۱۳۷۶، ۳۲۶). در فرهنگ دهخدا، پوست حیوانات، خز نامیده شده است؛ با این وجود، در همین منبع و منابع دیگر، بیشترین اشاره به حیوانی است شبیه به سمور که پوست بسیار ارزشمند و لطیفی دارد. رنگ پوست آن، بیشتر زرد مایل به سیاه بوده که در تهیه پوشاک کاربرد داشته است (دهخدا ۱۳۷۷، ۹۷۵۱). در فرهنگ عمید نیز، خز را این‌گونه معرفی کرده‌اند: «جانداري کوچک مانند سمور با پوست قهوه‌ای یا خاکستری رنگ و زیر گلویش سفید، پوستش گرانبه‌ای که آن را آستر لباس کنند» (عمید ۱۳۸۹، ۴۸۳). علاوه بر این، خز به جامه ابریشمی نیز گفته می‌شده است (دهخدا ۱۳۷۷، ۹۷۵۱). خارا عبارت از نوعی بافته ابریشمی موج‌دار و مخطط (معین ۱۳۸۱، ۶۰۸) و یا «پارچه‌ی ابریشمی موج‌دار و ستبر، رنگین یا سفید» (عمید ۱۳۸۹، ۴۶۸) است. در بیت دوم، شاعر باز از پوشش قصب برای شیرین سخن می‌گوید. (قصب، نک: ۳۹)

جمال خویش را در خَز و خارا به پوشیدن همی کرد آشکارا
 گهی می‌کرد نسرين را قصب‌پوش گهی می‌زد شقایق بر بناگو
 شناسایی جنسیت پارچه از طریق تصویر امکان‌پذیر نیست و پارچه‌ی پرزدار، نقشدار، مخطط و یا با بافتی از رده‌های
 زر که بیانگر پارچه‌های خز، دیبا، خارا و یا قصب باشد، در تصاویر دیده نشدند.

۶. رنگ در پوشش خسرو

اصلی‌ترین رنگ پوشش خسرو، رنگ قرمز است که شاعر در بخش «رفتن شاپور به طلب شیرین» از آن نام می‌برد. شاپور برای یافتن خسرو، شیرین را به سمت مداین می‌فرستد و علائمی از وی به شیرین می‌دهد تا بتواند او را بیابد. از جمله این نشانه‌ها، رنگ پوشش خسرو است. احتمالاً شاعر با به کار بردن واژه لعل قصد داشته هم رنگ و هم با ارزش بودن پوشش خسرو را بیان کند. لعل: سنگ ظریف قیمتی به رنگ قرمز (دهخدا ۱۳۷۷، ۱۹۷۱۱).

سمندش را به زرین نعل یابی ز سر تا پا لباسش لعل یابی
 کُله لعل و قبا لعل و کمر لعل رخس هم لعل بینی، لعل در لعل
 شاعر در بخش «اندام شستن شیرین در چشمه»، استفاده نکردن خسرو از رنگ قرمز را بیان می‌کند. چرا که خسرو برای گریز از آسیب دشمنان، لباس خود را تغییر می‌دهد. شیرین، نشانه‌های ذکر شده توسط شاپور را در خسرو نمی‌بیند و با خود می‌گوید: «دلم می‌گویند این جوانمرد جز خسرو پرویز کس دیگر نیست ولی چرا سرخ نبوشیده است؟» (ثروتیان ۱۳۸۳، ۲۹).

شنیدم لعل در لعل است کانش اگر دلدار من شد، کو نشانش؟
 نبود آگه که شاهان جامه‌ی راه دگرگونه کنند از بیم بدخواه
 رنگ دیگر در پوشش خسرو، سیاه است. «مرگ مریم همسر خسرو»، بخشی است که شاعر به ذکر این رنگ اقدام می‌کند. خسرو در مرگ همسر، عزاداری نموده، سَلَبی سیاه بر تن می‌کند. سَلَب: جامهٔ درشت، مانند جوشن که روز جنگ پوشند، جامهٔ ماتم و عزا (معین ۱۳۸۱، ۸۷۲).

نرفت از حرمتش بر تخت ماهی نپوشید از سَلَب‌ها جز سیاهی
 اشارهٔ اصلی شاعر برای پوشش خسرو، رنگ آن است که سر تا پای وی را قرمز رنگ معرفی می‌کند. تصویر (۱) خسرو را در دورهٔ نوجوانی نشان می‌دهد. اما هیچ پوشش قرمز رنگی بر تن او نیست؛ اما پدر وی و اکثر شخصیت‌های اطراف، به‌ویژه پادشاه، پوششی قرمز بر تن دارند. با توجه به اینکه این رنگ برای پوشش خسرو در زمان پادشاهی بیان شده، احتمالاً نگارگر، رنگ قرمز را مناسب پوشش پادشاهان و بزرگان دانسته است.

در تصاویر جدول (۲) بیشتر پوشش‌های خسرو، قرمز است. احتمالاً هنرمند با در نظر گرفتن بیان شاعر، پوشش وی را به تصویر کشیده باشد و تصاویر جدول (۳) خسرو را در کنار چشمه نشان می‌دهند که رنگ قرمز برای پوشش وی استفاده شده است. به‌نظر می‌رسد که نگارگر تنها در مورد الف، به متن منظومه توجه داشته؛ زیرا طبق نظر شاعر در این زمان، خسرو پوشش عامهٔ مردم را به تن دارد که قرمز رنگ نیست. در بین تصاویر، پوششی به رنگ سیاه



تصویر ۱: رنگ پوشش خسرو جوان در نگارهٔ ۱ (نگارندگان).

عزاداری بر تن خسرو مشاهده نشد.

جدول ۲. رنگ پوشش خسرو در برخی نگاره‌ها (نگارندگان).

			
د) بخشی از نگاره ۱۳	ج) بخشی از نگاره ۱۱	ب) بخشی از نگاره ۱۲	الف) بخشی از نگاره ۸

جدول ۳. رنگ پوشش خسرو در کنار چشمه در نگاره‌ها (نگارندگان).

			
د) بخشی از نگاره ۷	ج) بخشی از نگاره ۳	ب) بخشی از نگاره ۵	الف) بخشی از نگاره ۴

۷. رنگ در پوشش شیرین

شاعر گنجه از رنگ پوشش پایین تنه شیرین در بخش «اندام شستین شیرین در چشمه» سخن می‌گوید. شیرین در مسیر راه مداین، پارچه‌ای به رنگ آسمان به کمر بسته و وارد آب می‌شود. «پرند کحلی آسمان رنگ را جامه‌ی پوشنده‌ی اندام خود قرار داد. پرندی که بر میان بسته، در مصراع اول به آسمان کحلی و در مصراع دوم به برگ نیلوفر تشبیه شده است که به نسرين سپید اتصال یابد... در واقع این ابیات در وصف پرند سیاه و نیلگون، بر کمر بستن شیرین است» (نظامی ۱۳۷۶، ۷۷). کحل، دوده‌ایست که از سوختن کندر حاصل می‌شود (دُزی ۱۳۴۵، ۷۵). کحل به معنی سرمه و کحلی، نام جامه‌ای است زنانه به رنگ سیاه یا سرمه‌ای (دهخدا ۱۳۷۷، ۱۸۲۰۴).

پرندی آسمانگون بر میان زد شد اندر آب و آتش در جهان زد

فلک را کرد کحلی‌پوش پروین موصول کرد نیلوفر به نسرين

همچنین شاعر از زبان خسرو که شیرین را در آب می‌بیند از نیلی بودن پوشش وی سخن می‌گوید:

در آب نیلگون چون گل نشسته پرندی نیلگون تا ناف بسته

نیل، ماده‌ای آبی‌رنگ است که از برگ درختچه همین گیاه به دست می‌آید و در رنگرزی کاربرد دارد (معین ۱۳۸۱، ۲۰۰۸). البته واژه نیل به هنگام استفاده در برخی کنایات و اصطلاحات به معنی سیاه و تیره آمده است. «نیل بر چهره مالیدن، کنایه از روسیاه گردانیدن؛ نیل پراکندن کنایه از سیاه رنگ کردن» (دهخدا ۱۳۷۷، ۲۲۹۷۹) و گاهی در کنار بیان رنگ، نشانه عزا نیز بوده است: «نیل خود را در نیل کشیدن به معنی جامه‌ی نیلی در بر کردن و یا جامه در نیل

زدن به معنی به رنگ نیلی در آوردن جامه که هر دو نشانه‌ی عزا است» (معین ۱۳۸۱، ۲۰۰۸). رنگ نیلی، رنگ عزاست. زاهدان و شاعران رنگ نیلی می‌پوشیدند (نظری ۱۳۹۰، ۸۱). عقیقی در تفسیر برخی اشعار نیز چنین نگرشی دارد و این دسته از ابیات را کنایه از به عزا نشستن و ماتم داشتن می‌داند (عقیقی ۱۳۷۲، ۵۳۱ و ۵۳۶).

کفن بیاور و تابوت جامه نیلی کن
 که روزگار طیب است عافیت بیمار
 چون تو بسی را به نیل جامه کشیده‌ست شام
 پرده‌ی بسیار کس چون تو دریده‌ست صبح

تفسیر دیگری برای واژه نیل در برخی ابیات وجود دارد که برای بیان آن لازم است مفهوم بیت مورد توجه قرار گیرد. حمیدیان در گردآوری تفسیر برخی از ابیات خسرو و شیرین نظامی گنجوی با در نظر گرفتن ترجمه‌های حکیم آذری طوسی در جواهرالاسرار اشاره می‌کند: «جامه در نیل افتادن کنایه از دو معنی و ضد یکدیگر است: یکی لباس سیاه ماتم پوشیدن و دیگری جامه‌ی سرسبزی، سعادت و خوشبختی بر تن کردن، زیرا از نیل هر دو رنگ سبز و سیاه تولید می‌شود. کاربرد معنای اول فراوان و معنای دوم کم است. برای مثال، بیت زیر یعنی نابود ساختن طبایع و شهوات، خرد را سرسبز و خوشبخت کردن» (نظامی ۱۳۷۶، ۱۱۷-۱۱۸).

طبایع را یکایک میل در کش
 بدین خوبی خرد را میل در کش
 همچنین در این بیت، باریدن باران در لانه مورچه که دانه‌های افتاده بر زمین را رشد می‌دهد، مورد توجه قرار گرفته و پیل، کنایه از ابر است. به این معنا که اگر فرد والامقامی بر فرد کوچک و حقیری مهمان شود، آن فرد حقیر، صاحب جاه و سعادت می‌شود (همان، ۱۱۸).

اگر بر فرش موری بگذرد پیل
 فتنه افتاده‌ای را جامه در نیل
 اینک می‌توان با در نظر گرفتن واژه‌های آسمان‌گون، نیل و کحل، پوشش شیرین را حین آب‌تنی، از دسته رنگ‌های آبی، سبز یا سیاه دانست.

شاعر گنجه در بخش‌های «خسرو و شیرین در شکارگاه» و «خسرو و شیرین در قصر» از رنگ‌های دیگری برای پوشش شیرین سخن می‌گوید. در بخش اول، نقاب مشکی‌رنگ و در بخش دوم لباسی ارغوانی‌رنگ برای شیرین ذکر شده است. ز بهر عرض آن مشکین‌نقابان
 بنزهد سوی میدان شد شتابان
 حمایل پیکری از زر کانی
 کشیده بر پرنده‌ی ارغوانی

آخرین بخشی که شاعر از رنگ پوشش شیرین سخن می‌گوید، «کشته شدن خسرو و خودکشی شیرین» است. شیرین، تن را با لباسی قرمز و سر را با پارچه‌ای زرد می‌پوشاند و در کنار خسرو، جان می‌دهد. پرنده‌ی زرد چون خورشید بر سر
 حریری سرخ چون ناهید در بر

در جدول (۴) پایین پوش شیرین در هنگام آب‌تنی نمایش داده شده که به جز مورد (الف)، رنگی نزدیک به رنگ مدنظر شاعر برای پوشش شیرین انتخاب شده است.

جدول ۴. رنگ پایین پوش شیرین در کنار چشمه (نگارندگان).

			
(د) بخشی از نگاره ۷	(ج) بخشی از نگاره ۵	(ب) بخشی از نگاره ۳	(الف) بخشی از نگاره ۴

مورد (الف) در جدول (۵)، پوشش ارغوانی بر تن شیرین، و مورد (ب) نیز تن پوش قرمز رنگ وی به هنگام خودکشی را نشان می‌دهد؛ این موارد، تنها تصاویر هماهنگ با متن در این موضوعات می‌باشند. در کل تصاویر، نقابی به رنگ سیاه دیده نشد.

جدول ۵. رنگ پوشش شیرین (نگارندگان).



۸. طرح در پوشش خسرو

اولین بخشی که شاعر از طرح پوشش خسرو سخن می‌گوید در بخش «مرگ مریم همسر خود» است. خسرو در مرگ همسر عزاداری کرده، لباس غم و سلب می‌پوشد. (سلب، نک: ۴۱)

نرفت از حرمتش بر تخت ماهی نپوشید از سلب‌ها جز سیاهی

«رفتن خسرو به طرف قصر شیرین» بخش دیگری است که شاعر فرصتی فراهم می‌کند تا از پوشش خسرو سخن گوید. کاربرد کمر بند و کلاه در این قسمت ذکر شده است. البته وجود واژه کلاه و کج نهادن آن و به کار بردن واژه کیقباد، بیشتر بیانگر غرور خسرو و جاه و مقام بالای اوست. کلاه کج نهادن: به معنی فخر و نخوت، کیقباد یا کیقباد: نام پادشاه ایرانی، اولین پادشاه از سلسله کیان که در زمان او پادشاه برتری نبوده است و کلاه کیقبادی: کنایه از عظمت و رفعت مقام است (دهخدا ۱۳۷۷، ۱۸۸۳۱، ۱۸۸۳۸، ۱۸۴۶۶).

کمر در بسته و ابرو گشاده کلاه کیقبادی کژ نهاده

نظامی در منظومه دیگر خود نیز از واژه کیقباد برای بیان مقام بلند و والا استفاده کرده است (عقیقی ۱۳۷۲، ۲۱۰۶).

(نظامی، هفت پیکر)

چون که بهرام کیقباد کلاه تاج کیکسروی رساند به ماه

آخرین بخشی که شاعر به وصف طرح پوشش خسرو می‌پردازد، «رفتن شاپور به طلب شیرین» است. شاپور، شیرین را برای دیدن خسرو به سمت مداین می‌فرستد و نشانه‌هایی از پوشش خسرو به وی می‌دهد. قبا: «جامه‌ای معروف که پس از پوشیدن دو طرف آن روی هم آمده و با دکمه بسته می‌شود» (دهخدا ۱۳۷۷، ۱۷۴۲۱).

کله لعل و قبا لعل و کمر لعل رخس هم لعل بینی، لعل در لعل

شاعر گنجه، در معرفی پوشش خسرو، به کلاه، قبا و کمر بند او اشاره دارد. در مورد این سه پوشش نمی‌توان نظری قطعی از ارتباط متن و تصویر ارائه کرد، چرا که در تمامی تصاویر، پوشش‌های ذکر شده به شکل‌های مختلف دیده می‌شوند و البته این موارد، اجزاء اصلی پوشش در دوره‌های تاریخی متعدد هستند.

۹. طرح در پوشش شیرین

شاعر در بخش «آغاز داستان»، به توصیف پوشش شیرین می‌پردازد و معرفی او توسط شاپور را با وصف پوشش سر بیان می‌کند که «در زیر روبند و چادر مردی و پادشاهیست» (ثروتیان ۱۳۸۲، ۸۸). تنها واژه‌ای که در این بخش به کار رفته، مقنعه است. مقنعه: «چارقد، لچک، روسری، سرپوش، پارچه‌ای که زن سر خود را با آن بپوشاند» (دهخدا ۱۳۷۷، ۲۱۳۵۸).

پری دختی، پری بگذار ماهی به زیر مقنعه صاحب کلاهی
 شاعر گنجه در بخش «گریختن شیرین به مداین»، به وصف پوشش همراهان وی می‌پردازد و از پوشیدن قبا، کلاه و استفاده از سرآغج سخن می‌گوید. اگرچه شاعر پوشش همراهان شیرین را ذکر کرده اما می‌توان کاربرد این پوشش‌ها را به شیرین نیز نسبت داد. «سرآغج، سرآغج، سرآغج، سرآغج یا سرآغوش: گیسوپوش زنان است که آن را زیر مقنعه بر سر کنند. کیسه‌ای بوده به درازی سه گز - معادل ۲۴ انگشت - و بر یک سر آن کلاهی است که بر آن مروارید و زر دوزند و بر پیشانی گذارند و گیسو را در کیسه نهند و سر دیگرش را از زیر بغل راست گذرانیده و بر کتف چپ اندازند» (دهخدا ۱۳۷۷، ۱۳۵۳۹-۱۳۵۴۰). کلاه نیز واژه‌ای است مرتبط با پوشش سر که ظاهراً سرآغج از سر باز کرده‌اند اما کلاه بر سر دارند؛ البته به نظر می‌رسد این مصرع بیانگر مقام و شوکت شیرین باشد. (قبا، نک: ۴۴)

بتان از سر سرآغج باز کردند دگرگون خدمتش را ساز کردند
 به کردار کله‌داران چون نوش قبا بستند بکران قصب‌پوش
 شیرین برای رفتن به مداین مانند یک شاهزاده یا ولیعهد لباس نمی‌پوشد بلکه پوششی شبیه به غلامان دارد. شاعر در این بخش، مجدداً از قبا نام می‌برد و احتمالاً دلیل آن رواج این پوشش در میان اکثر مردم بوده است.

قبا در بسته بر شکل غلامان همی شد ده به ده، سامان به سامان
 شیرین در مسیر راه و در بخش «اندام شستن شیرین در چشمه»، گرد سفر از تن می‌زداید. شاعر در این بخش از پارچه‌ای نام می‌برد که شیرین به کمر می‌بندد و فقط پایین تنه‌ی وی پوشیده می‌ماند.
 پرندی آسمانگون بر میان زد شد اندر آب و آتش در جهان زد
 مشاهده خسرو که در مسیر سفر به ارمن، شیرین را در چشمه می‌بیند میزان پوشش را مشخص می‌کند:
 در آب نیلگون چون گل نشسته پرندی نیلگون تا ناف بسته
 به هنگام «رسیدن شیرین به مداین» و وارد شدن او به قصر، ندیمان طرازی می‌آورند تا لباس راه عوض کند. طراز: «نگارجامه، زینت پارچه، کتابت و خطی که نساجان بر جامه نگارند، کناره پارچه که به رنگی خارج از متن ملون می‌کردند» (معین ۱۳۸۶، ۱۰۲۲).

دگرگون زیوری کردند سازش ز دُر بستند بر دیبا طرازش
 طراز از جمله پوشش‌هایی است که شاعران در منظومه‌های خود فراوان از آن بهره برده‌اند. طراز در بیت اول در معنای حقیقی خود و در بیت دوم به منزله کنایه و به معنی آراستن و بیان معانی به کار رفته است (عقیقی ۱۳۷۲، ۱۷۱۸).
 طراز پیرهن زر کشم مبین چون شمع که سوزهاست نهانی درون پیرهنم (حافظ، دیوان)
 توانگر بود بر مدیح تو ماحد ز علم و نکت وز طراز معانی (فرخی، دیوان)
 شیرین و ندیمه‌ها، نقابی بر چهره نهاده‌اند. شاعر از این پوشش در بخش «خسرو و شیرین در شکارگاه» سخن گفته است:

همه برقع فرو هشتند بر ماه روان گشتند سوی خدمت شاه
 همچنین در بخش «عشق فرهاد»، ذکر شده که شیرین، نقاب از چهره برمی‌دارد و رخ می‌گشاید:

پرنده ماه را پیوند بگشاد ز رخ برقع، ز گیسو بند بگشاد
 شاعر، بار دیگر و در بخش «خسرو و شیرین در قصر» از سرآغوش به منزله پوشش سر شیرین نام می‌برد. (سرآغج، نک: ۴۵) همچنین، شیرین، حمایلی از زر-طلا- برای تزئین تن و از شقایق برای پوشش و تزئین گردن استفاده کرده است. حمایل: «آنچه به شانه و پهلو آویزند، پارچه ابریشمی پهن و تسمه مانند به رنگ‌های مختلف» (معین ۱۳۸۶، ۶۰۱). «ظاهراً شقایق نام یک قسم پارچه حریر مخصوصی است که زنان برای زینت گردن و بناگوش استفاده می‌کرده‌اند» (نظامی ۱۳۷۶، ۳۲۶).

حمایل پیکری از زر کانی کشیده بر پرنده‌ی ارغوانی
 سرآغوشی برآموده به گوهر به رسم چینیان افکنده بر سر

گهی می کرد نسیرین را قصب پوش گهی می زد شقایق بر بناگوش
شقایق بستنش بر گردن ماه کمند انداخته بر گردن شاه

شاعر در همین بخش، مجدداً از نقاب چهره سخن می گوید. خسرو از شیرین درخواست می کند که «لااقل رخساره از من در برقع مپوش که آفتاب محتاج برقع نیست» (همان ۳۳۷):

برافکن برقع از محراب جمشید که حاجتمند برقع نیست خورشید

همچنین در «ازدواج خسرو و شیرین»، واژه نقاب به کار رفته که توسط شیرین استفاده شده است: «چون ابر نقاب از رخسار ماه عقب رفت، شاه ناشکیب شد» (همان ۳۹۲).

چو ابر از پیش روی ماه برخاست شکیب شاه نیز از راه برخاست

آخرین بخشی که شاعر گنجه از طرح پوشش شیرین سخن می گوید «پشیمان شدن شیرین و رفتن او به خیمه خسرو» است، جایی که خسرو، سرپوش (معجز) از سر شیرین باز می کند. معجز: «جامه ای که زنان بر سر کنند تا گیسوان را حفظ کند. روپاک، روسری، سرپوش، چارقد» (دهخدا ۱۳۷۷، ۲۱۱۳۱). ظاهراً استفاده از واژه کلاه در مصرع دوم به منزله ضرب المثلی است که شاعر خواسته به واسطه آن، ارزش نهادن خسرو بر شیرین را بیان کند.

گه از فرق سرش معجز گشادی غلامانه کلاهش برنهادی

جدول (۶) پوشش شیرین، حین فرار از ارمن و سپس آب تنی وی را در چشمه نشان می دهد؛ بنابراین، دو بخش از پوشش وی در متن را منعکس می کند. شیرین، هنگام فرار، کلاه، قبا و سرآنج بر تن دارد؛ نحوه قرار گرفتن پوشش شیرین در تصویر، مانع از تشخیص شکل آن شده و قبا نیز در تمامی دوره های تاریخی موجود است؛ از این رو، توصیف طرح آنها امکان پذیر نیست. البته، کلاه در تمامی تصاویر این بخش قابل رویت است و به این دلیل که در پوشش شیرین در سایر نگاره ها کلاهی دیده نمی شود، می توان آن را متأثر از اندیشه شاعر دانست. طبق بیان شاعر، ساده بودن پوشش شیرین در این بخش، تنها در موارد (ج و د) دیده می شود. برای شیرین هنگام آب تنی پایین پوشی طراحی شده که می توان آن را در جدول (۴) دید. همچنین موی بلند شیرین، بخشی از بالاتنه وی را پوشانده که این مورد نیز برگرفته از متن است.

جدول ۶. پوشش شیرین هنگام فرار از ارمنستان (نگارندگان).

			
د) بخشی از نگاره ۳	ج) بخشی از نگاره ۴	ب) بخشی از نگاره ۷	الف) بخشی از نگاره ۵

شاعر برای توصیف پوشش سر شیرین، از واژه های مقنعه، معجز، سرآنج، شقایق و نقاب سخن گفته است که می توان برخی از آنها را در جدول (۷) مشاهده کرد. تنها نقابی که در تصاویر این جدول دیده می شود و البته در اینجا بالا زده شده، مورد (د) است. همچنین در این تصویر، گردن پوشی دیده می شود که به نظر می رسد ترسیم پوششی موسوم به شقایق مدنظر نگارگر بوده است. در تمامی نگاره ها، پوششی برای سر شیرین در نظر گرفته شده است که برای همه پیکره ها یکسان نیست؛ در برخی از نگاره ها، بخشی از سر و گردن پوشیده شده و در برخی تمامی آن؛ به یقین، استفاده از پوشش برای سر شیرین توسط نگارگر را نمی توان صرفاً به منظومه و اشارات شاعر نسبت داد زیرا تمامی این آثار در دوره های اسلامی شکل گرفته اند و قطعاً فرهنگ و اعتقادات حاکم بر جامعه نیز در ایجاد نوع

پوشش سر تأثیرگذار بوده‌اند.

جدول ۷. نمونه‌هایی از پوشش سر شیرین (نگارندگان).



در موارد (ج و هـ) جدول (۷)، نیم‌تاجی بر سر شیرین قرار گرفته که شاعر چنین توصیفی در متن ندارد؛ احتمالاً نگارگر برای مجزا ساختن این پیکره از سایرین، به منزلهٔ ولیعهد (مورد هـ)، یا همسر پادشاه (مورد ج)، چنین پوششی را برای او تعبیه کرده است. اگر پوشش طراز را به معنی نگار جامه و نقش لباس در نظر بگیریم، موارد الف، ب، ج و د بیانگر چنین پوششی هستند؛ اما اگر منظور از طراز، پوششی دارای حاشیهٔ متن‌دار باشد، چنین پوششی در بین نگاره‌ها رویت نشد. همچنین در تمامی تصاویر، پوششی که بیانگر حمایل بر تن شیرین باشد، مشاهده نگردید.

۱۰. زیور در پوشش خسرو و شیرین

شاعر گنجه تنها در بخش «پیدا شدن شاپور» سخن از زیور خسرو دارد و آن هم وجود انگشتر است:

یکی انگشتری از دست خسرو بدو بسپرد که این برگیر و می‌رو

در بین تصاویر موجود، زیوری مانند انگشتر بر دست خسرو دیده نشد؛ البته شاید علت آن ظرافت نگاره‌ها باشد. اولین موردی که شاعر برای بیان زیور شیرین از آن نام می‌برد خلخال است که در بخش «رفتن شاپور به طلب شیرین» از آن سخن می‌گوید. شیرین به سمت شاپور می‌دود، چنان که صدای خلخالش در کوه می‌پیچد. خلخال: «حلقه‌ای از طلا، نقره و امثال آن که در پای کنند» (دهخدا ۱۳۷۷، ۹۹۱۳).

روانه شد چو سیمین کوه در حال درافکنده به کوه آواز خلخال

زیور گوشواره برای شیرین در بخش «خسرو و شیرین در شکارگاه» ذکر شده است. شیرین و ندیمه‌ها زیوری از لعل بر گوش خود دارند و یا اینکه زیوری با ارزش مانند لعل از گوش خود آویزان کرده‌اند:

نشسته لعل‌داران قصب‌پوش قصب بر ماه بسته، لعل بر گوش

در همین بخش، به زینت دست شیرین نیز اشاره شده است. شاعر خوش‌ذوق گنجه، نقش بستن بر دستان شیرین را به ستاره و کواکب تشبیه کرده است. «از زینت عروسان در قدیم یکی نقش بر دست کردن بوده که این رسم هنوز هم در میان صحرائشینان و روستائیان برقرار است. شهرآرایی به معنی زینت و کله، پرده‌ای که برای آرایش عروس می‌زنند؛ یعنی عروس شب برای زینت، دست خود را به خال ستاره منقش و از زینت کواکب پرده‌ای آرایش بر بست... ممکن است که دست به معنی مسند چهار بالش و کله به معنی جمع کردن کاکل و گیسو بر سر باشد» (نظامی ۱۳۷۶، ۱۴۰). مسند به معنی جای نشستن و تکیه دادن و مسند چهار بالش به منزلهٔ تکیه‌گاه‌هایی است که سلاطین و بزرگان در چهار طرف خود قرار می‌داده‌اند (دهخدا ۱۳۷۷، ۶۶۹۷ و ۲۰۹۰۲).

عروس شب چو نقش افکند بر دست به شهرآرایی انجم کله بر بست

شاعر در بخش «خسرو و شیرین در قصر»، چند مورد از زیورآلات شیرین را ذکر کرده است. شیرین به استقبال خسرو رفته و به احترام او، گوشواره از گوش باز کرده و زیر سُم شبدیز -اسب خسرو- می‌اندازد و دانه‌های مروارید

گردنبند را به نشانه شادباش نثار خسرو می‌کند:

گشاد از گوش گوهرکش بسی لعل سم شیدیز را کرد آتشین نعل
همان صد دانه مروارید خوشاب به فرق افشان خسرو کرد پرتاب

سایر زیورآلاتی که شاعر در این بخش از آن نام می‌برد، فرق‌بند یا گیسوبند است. شیرین، گاه فرق‌بند را گره می‌زد و گاه آن را باز کرده، گیسوان خود را بر چهره و اطراف پریشان می‌ساخت. شاعر در این قسمت، مجدداً از خلخال شیرین نام می‌برد. (خلخال، نک: ۴۷)

گهی بر فرق‌بند آشفته می‌بود گره می‌بست و بر مه مشک می‌سود
ز نیکو کردن زنجیر خلخال نه نیکو کرد بر زنجیریان حال

از دیگر زیورآلات شیرین، عنبرینه است: «زیوری که در میان آن عنبر کنند و بر گردن اندازند. هار که از مروارید و مهره‌های عنبر سازند» (دهخدا ۱۳۷۷، ۱۶۴۰۲) «هار در زبان سانسکریت به معنی حلقه، مروارید، گردن‌بند» (همان ۲۳۳۱۳) است:

به آه عنبرینم بین که چون است که عقد عنبرینه‌ام پر ز خون است

شاعر گنجه در بخش «پشیمان شدن شیرین»، علاوه بر دست‌بند، از خلخال نیز نام می‌برد؛ شاه، دست‌بند از دست و خلخال از پای شیرین باز می‌کند:

گهی دستینه از دستش ربودی به بازو بندیش بازو نمودی
گهی خلخاله‌اش از پای کندی بجای طوق در گردن فکندی

نقش بستن بر دست و استفاده از گوهر در گوش، آخرین زیوریهایی هستند که شاعر در پایان منظومه، در بخش «کشته شدن خسرو و خودکشی شیرین» از آن سخن می‌گوید. نگار: «نقش حنا بر دست و پای» (نظامی ۱۳۷۹، ۲۶۶).

نهاده گوهرآگین حلقه در گوش فکنده حلقه‌های زلف بر دوش
کشیده سرمه‌ها در نرگس مست عروسانه نگار افکنده بر دست

از میان زیورهای ذکر شده در متن برای شیرین، خلخال (مورد ج و د)، گردن‌بند مروارید (مورد ب) و گوشواره (مورد د) در تصاویر جدول (۸) قابل رویت می‌باشند. شاید پوشیده بودن بدن و ظرافت کار از دلایل تصویر نساختن زیورآلات توسط نگارگر در اکثر آثار باشد.

توصیفات شاعر از پوشش خسرو و شیرین در منظومه نظامی گنجوی در جدول (۹) و در چهار بخش جنسیت، رنگ، طرح و زیور همراه با معانی واژه‌ها به شکل مختصر ارائه شده است و در جدول (۱۰) طرح و رنگ پوشش خسرو و شیرین در آثار نگارگری به تصویر درآمده‌اند.

جدول ۸. زیورآلات شیرین (نگارندگان).

			
د) بخشی از نگاره ۷	ج) بخشی از نگاره ۵	ب) بخشی از نگاره ۹	الف) بخشی از نگاره ۱۳

صناعات
همراه ایرا

سال دوم، شماره ۱، پاییز و زمستان ۹۷

۱۱. نتیجه‌گیری

ارتباطی که میان اکثر هنرها وجود دارد باعث استحکام هنرهای گوناگون شده است. هنرمند با پیوند هنر خود به دیگر هنرها، به اثر خود هویت می‌بخشد. وحدت میان شعر و نگاره، قدمتی طولانی دارد و اکثر افراد، این ارتباط را باعث هویت یافتن نگاره‌ها می‌دانند. البته این پیوستگی، باعث رونق یافتن متون مختلف نیز شده است. این مقاله سعی دارد که توصیفات مرتبط با پوشش خسرو و شیرین از منظومه را استخراج کرده و به مقایسه آنها با پوشش ترسیم‌شده در نگاره‌های منظومه مربوط به قرن‌های هشتم تا یازدهم هجری قمری بپردازد.

توصیفات مرتبط با پوشش در منظومه و تأثیرپذیری نگارگر از آنها عبارت‌اند از:

جنسیت: پارچه‌های دیبا، خز، خارا، پرنده، پرنیان، حریر، زر و قصب برای شیرین و دیبا برای خسرو انتخاب شده است. تشخیص جنسیت پوشش در نگاره‌ها امکان‌پذیر نیست و پارچه‌ی پرزدار، نقشدار، مخطط و یا دارای بافتی از رده‌های زر که بیانگر پارچه‌های خز، دیبا، خارا و یا قصب باشد، در تصاویر دیده نشد.

رنگ: نظامی، رنگ‌های آسمان‌گون، زرد، کبود و ارغوانی را برای شیرین و سیاه و قرمز را برای هر دو شخصیت معرفی می‌کند. در اکثر نگاره‌ها، رنگ پوشش خسرو، برگرفته از متن است ولی در رنگ پوشش شیرین، تأثیرپذیری کمتری از منظومه دیده می‌شود.

طرح: برای پوشش شیرین از برقع، نقاب، سرآنج، مقنعه، معجر، شقایق، حمایل و طراز و برای پوشش خسرو از واژه‌های کمربند و سلب و برای هر دوی آنها از واژه‌های کلاه و قبا نام برده می‌شود. توصیفات طرح پوشش خسرو قابل قیاس با منظومه نیست؛ زیرا در تمام دوره‌های تاریخی از چنین پوشش‌هایی استفاده می‌شده است. پوشش‌های شیرین به جز در تعداد محدودی از نگاره‌ها، در اغلب آثار مشاهده نمی‌شود.

زیور: تنها زیوری که برای خسرو معرفی شده انگشتر اوست. زیورهای شیرین در متن، شامل: گردن‌بند، دست‌بند، گوشواره، عنبرینه، گیسوبند و فرق‌بند، خلخال و نقش‌دست می‌باشد که برخی از آنها در تصاویر مشاهده شدند. عوامل تأثیرگذار بر اجرای پوشش شخصیت‌ها در نگاره‌ها به چند دسته تقسیم می‌شوند:

الف) نگاره‌ها، با تأثیرپذیری متفاوت از متن ایجاد شده‌اند. برخی هنرمندان، نگاهی سطحی به منظومه داشته‌اند که موجب ترکیب پوشش‌ها در بخش‌های مختلف شده است؛ در واقع آنچه که شاعر فقط در بخشی از داستان بیان داشته، توسط نگارگر در تمام داستان اجرا شده است. همچنین برخی تصاویر، فقط با توصیف ظاهری منظومه هماهنگ هستند. در واقع، نگارگر متوجه رازگونه بودن منظومه نشده است و این ویژگی، در انتخاب رنگ پوشش خسرو به خوبی مشاهده می‌شود.

ب) هرچه تاریخ اجرای اثر نگارگری از زمان سرودن منظومه بیشتر می‌شود، تأثیرپذیری نگارگر از متن منظومه، کمتر است؛ تا جایی که نظر نگارگر پیشین بر نظر شاعر مقدم شده است؛ در واقع نگارگر برای اجرای اثر خود بیش از آنکه به متن اصلی و نظر شاعر اهمیت دهد، به تصویر ارائه شده توسط نگارگر پیش از خود توجه کرده و از آن برای اجرای اثر الهام گرفته است. بنابراین، هنرمندان تصویرساز متقدم که فاصله زمانی کمتری با تاریخ ایجاد منظومه دارند، وفاداری بیشتری به متن منظومه و نظر شاعر داشته‌اند.















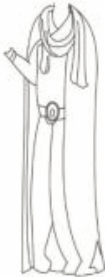













ج) نگارگر از فرهنگ زمان خود نیز بهره گرفته است، از این‌رو، مواردی مانند آستین بلندتر از حد معمول در نگاره‌های دوره تیموریان دیده می‌شود. با توجه به این نوع اثرپذیری نگارگر، پیشنهاد می‌شود که در پژوهش‌های آتی به بررسی اشتراک و افتراق پوشش در سه اصل منظومه، نگاره و دوره‌های تاریخی نیز پرداخته شود.

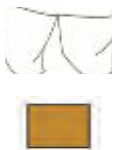




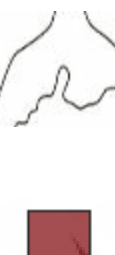








در کتاب جهان دوگانه مینیاتور ایرانی، علت انتخاب رنگ قرمز برای پوشش خسرو، جایگزین کردن شاه طهماسب اول در شخصیت خسرو عنوان شده است: «چون تهماسب در برج دلو به دنیا آمده و ستاره دلو به رنگ سرخ است» (نظری، ۱۳۹۰: ۷۶)؛ اما به نظر می‌رسد که نگارگر با در نظر گرفتن اشاره شاعر، رنگ قرمز را برای پوشش خسرو انتخاب کرده است.

جدول ۹. توصیفات شاعر از پوشش خسرو و شیرین در منظومه نظامی گنجوی (نگارندگان).


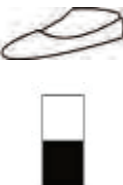


شیرین	خسرو	توصیف	اشارات شاعر
✓	✓	پارچه‌ی ابریشمی لطیف در رنگ‌های مختلف و گاهی نقش‌دار	دیبا
✓		جامه‌ی ابریشمی ساده، موج‌دار یا مخطط، سفید یا رنگین	خارا
✓		پوستی گران‌بها از نوعی حیوان	خز
✓		پارچه از ابریشم سالم و بلند و کمی براق	حریر
✓		پارچه‌ی ظریف کتان یا کتان و ابریشم، گاهی با طلا و نقره	قَصَب
✓		فلزی زرد رنگ و گران قیمت برای ساخت زیورات و سکه	زر
✓		حریر ساده، کمی براق و بدون نقش از ابریشم	پرند
✓		حریر ساده و منقوش از ابریشم سالم و بلند و کمی براق	پرینان
✓	✓	تیره، آنچه به رنگ زغال است	سیاه
✓	✓	سرخ، از رنگ‌های سه‌گانه اصلی	قرمز
✓		قرمز مایل به بنفش	ارغوانی
✓		هر آنچه که به رنگ زر باشد	زرد
✓		آبی، نیلی، سرمه‌ای، سیاه	آسمان‌گون
		آبی، سیاه، سبز	کبود
✓	✓	پوشش سر	کلاه
✓	✓	پوشش بالاتنه و جلو باز	قبا
	✓	آنچه به کمر بندند	کمر بند
	✓	جامه‌ی ضخیم و درشت، مانند خفتان و جوشن	سَلَب
✓		پارچه‌ی ابریشمی برای پوشش گردن و بناگوش	شقایق
✓		گیسوپوش زنان در زیر مقنعه که گیسو را در کیسه آن نهند	سراغوش
✓		کتابت و خط بر جامه، کنار پارچه که به رنگی خارج از متن ملون گردد.	طراز
✓		روسری، سرپوش، چارقد	مَعَجَر
✓		چارقد، لچک، سرپوش، پارچه‌ای که زن سر خود را با آن بپوشاند	مقنعه
✓		پوشاننده‌ی چهره	برقع و نقاب
✓		آنچه به شانه و پهلو آویزند	حمایل
	✓	حلقه‌ای معمولا فلزی همراه با نگین برای زینت دست	انگشتر
✓		از جنس طلا، حلقه‌ای که در پا کنند	خلخال
✓		زینتی که در گوش آویزند	گوشواره
✓		نقش افکندن بر دست به وسیله خال‌کوبی یا حنا بستن	نقش دست
✓		پیرایه‌ای از سنگ یا فلز قیمتی که به گردن آویزند، گلویند	گردن‌بند
✓		زیوری که در میان آن عنبر کنند و بر گردن اندازند، گردن‌بند	عنبرینه
✓		زیور دست	دست‌بند
✓		به منزله‌ی زیور سر و مو است	فرق‌بند و گیسوبند

جدول ۱۰. پوشش خسرو و شیرین در نگاره‌های ۱ تا ۱۴ (نگارندگان).

نگاره	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷
سرپوش	خسرو 	شیرین 	خسرو 	خسرو 	خسرو 	خسرو 	خسرو 
			شیرین 	شیرین 	شیرین 	شیرین 	شیرین 
بالاپوش	خسرو 	شیرین 	خسرو 	خسرو 	خسرو 	خسرو 	خسرو 
			شیرین 	شیرین 	شیرین 	شیرین 	شیرین 

<p>خسرو</p>  <p>شیرین</p> 	<p>شیرین</p> 	<p>خسرو</p>  <p>شیرین</p> 	<p>شیرین</p> 	<p>خسرو</p>  	---	---	پایین پوش
<p>خسرو و شیرین</p> 	---	<p>خسرو</p> 	---	<p>خسرو</p> 	<p>شیرین</p> 	<p>خسرو</p> 	پای پوش
---	---	<p>شیرین</p> 	---	---	---	---	زبور

نگاره	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	
پوشاک	<p>خسرو</p> <p>شیرین</p>	<p>شیرین</p>	<p>شیرین</p>	<p>خسرو</p> <p>شیرین</p>	<p>خسرو</p>	<p>خسرو</p> <p>شیرین</p>	<p>شیرین</p>	
	<p>خسرو</p> <p>شیرین</p>	<p>شیرین</p>	<p>شیرین</p>	<p>خسرو</p> <p>شیرین</p>	<p>خسرو</p>	<p>خسرو</p>	<p>خسرو</p> <p>شیرین</p>	<p>شیرین</p>
بالاپوش	<p>خسرو</p> <p>شیرین</p>	<p>شیرین</p>	<p>شیرین</p>	<p>خسرو</p> <p>شیرین</p>	<p>خسرو</p>	<p>خسرو</p>	<p>خسرو</p> <p>شیرین</p>	<p>شیرین</p>

شیرین 	---	---	---	---	---	---	پایین پوش
شیرین 	---	---	---	---	---	---	پای پوش
---	شیرین 	---	---	---	شیرین 	شیرین 	زبور

منابع

- آژند، یعقوب. ۱۳۸۴. مکتب نگارگری تبریز، قزوین، مشهد. تهران: فرهنگستان هنر.
- _____. ۱۳۸۷. مکتب نگارگری هرات. تهران: فرهنگستان هنر.
- پوپ، آرتور اپهام، و فیلیپس اکرم. ۷۸۳۱. سیری در هنر ایران از دوران پیش از تاریخ تا امروز. ج. ۹. ترجمه نجف دریابندری. ویرایش سیروس پرهام. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- ثروتیان، بهروز. ۱۳۸۲. نظامی گنج‌های. تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- _____. ۱۳۸۳. خسرو و شیرین. تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- دُزی، راینه‌هارت پیتر آن. ۱۳۴۵. فرهنگ البسه مسلمانان. ترجمه حسینعلی هروی. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- دهخدا، علی اکبر. ۱۳۷۷. لغت‌نامه دهخدا. چاپ دوم. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- روح‌فر، زهره. ۱۳۸۰. نگاهی بر پارچه‌بافی دوران اسلامی. تهران: نشر پژوهشگاه و سمت.
- سودآور، ابولعلاء. ۱۳۸۰. هنر دربارهای ایران، ترجمه ناهید محمد شمیرانی. تهران: نشر کارنگ.
- طغیانی، اسحق، و زینب چوقادی. ۱۳۸۸. «الگوی پوشش در داستان خسرو و شیرین نظامی». دوفصلنامه علمی پژوهشی دانشکده ادبیات و علوم انسانی، ش. ۶۵: ۱۲۹-۱۴۹.
- آدامووا، عادل. ۱۳۸۶. نگاره‌های ایرانی گنجینه ارمیتاژ، ترجمه زهره فیضی. تهران: فرهنگستان هنر.
- عقیقی، رحیم. ۱۳۷۲. فرهنگ‌نامه شعری، ج. (۱ و ۲). تهران: انتشارات سروش.
- عمید، حسن. ۱۳۸۹. فرهنگ فارسی عمید. ویراستاری عزیزالله علیزاده. تهران: راه رشد.
- کنبای، شیلا. ۱۳۸۱. نگارگری ایرانی. ترجمه مهناز شایسته فر. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- _____. ۱۳۸۷. عصر طلایی هنر ایران. ترجمه حسن افشار. تهران: نشر مرکز.
- _____. ۱۳۸۹. رضا عباسی اصلاح گر سرکش. ترجمه یعقوب آژند. چاپ دوم. تهران: فرهنگستان هنر با همکاری متن.
- کورکیان، ام، و ژپ سبکر. ۱۳۷۷. باغ‌های خیال. ترجمه پرویز مرزبان. تهران: فروزان روز.

- گری، بازل. ۱۳۸۴. *نقاشی ایران*. ترجمه عربعلی شروه. تهران: نشر دنیای نو.
- معین، محمد. ۱۳۸۶. *فرهنگ فارسی، گردآوری عزیزالله علیزاده*. چاپ چهارم. تهران: ادنا.
- نظامی، الیاس بن یوسف. ۱۳۷۶. *خسرو و شیرین حکیم نظامی گنجه‌ای*. تصحیح حسن وحید دستگردی. به کوشش سعید حمیدیان. تهران: قطره.
- _____. ۱۳۷۹. *آوای عشق*. تلخیص و شرح از منوچهر عدنانی. تهران: ثالث با همکاری بینش پویش.
- _____. ۱۳۸۶. *کلیات نظامی گنجوی*، ج. ۱. تصحیح حسن وحید دستگردی. تهران: زوار.
- نظری، مائیس. ۱۳۹۰. *جهان دوگانه مینیاتور ایرانی*. ترجمه عباس علی عزتی. تهران: موسسه متن.
- Barry, Michael. 1996. *Colour And Symbolism In Islamic Architecture: Eight Centuries Of The Tile-Maker's Art*. London: Thames and Hudson.
- www.peopleofar.com



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

صناعات
همراه ایرا

سال دوم، شماره ۱، پاییز و زمستان ۹۷